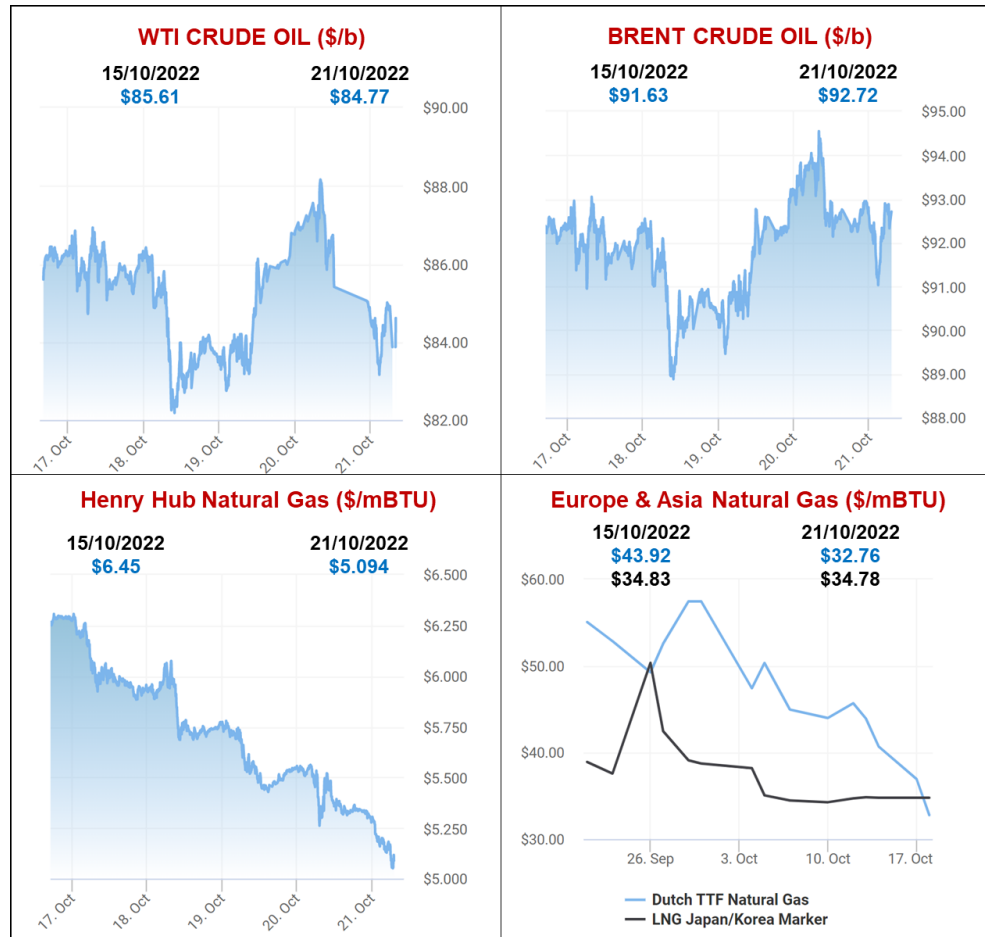


پایش بازار



قیمت نفت خام برنت در روز جاری برابر با ۹۲ دلار و ۷۲ سنت است که از روزهای گذشته کمی کمتر شده است. قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدییت ۸۴ دلار و ۷۷ سنت است که از روزهای گذشته کمی بیشتر است. قیمت گاز طبیعی در هنری هاب به ۵ دلار هر میلیون بی تی یو رسیده که از فوریه گذشته تا بحال کمترین است. قیمت گاز طبیعی در اروپا برای اولین بار در پس از حمله روسیه به اوکراین از قیمت گاز طبیعی در ساحل ژاپن کمتر شده است. این نشان می دهد که برخلاف هیاهوی اروپا در مورد نبودن مقدار کافی از حامل های انرژی در این قاره در زمستان در پیش رو، وضعیت انبارهای گاز طبیعی در اروپا در حال حاضر مناسب است. مهم ترین تحولات این هفته را باید به کلان روندها و عمیق شدن شکاف عرضه و تقاضا ناشی از تحولات بلندمدت در یک دهه اخیر شامل اثرات توافق پاریس در سال ۲۰۱۵ و کاهش سرمایه گذاری در سوخت های فسیلی در ۷ سال اخیر، انتظار فعالان بازار نسبت به برگزاری کاپ-۲۷ در شرم الشیخ مصر، اشتباه محاسباتی اقتصادهای جهانی در خصوص اتمام همه گیری کووید-۱۹ بین سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۲،

شروع جنگ در خاک اوکراین، بهبود شرایط تورمی در ایالات متحده پس از گزارش فدرال رزرو، تبعات تصمیم اخیر اوپک پلاس در کاهش دو میلیون بشکه‌ای تولید روزانه نفت خام، افزایش بی‌سابقه شاخص دلار، پیشنهاد سقف قیمت گاز و برق در اتحادیه اروپا، و دستور بایدن برای آزادسازی ۱۵ میلیون از ذخایر استراتژیک نفتی نسبت داد.

تفسیر هفته

با بررسی تحولات بازار انرژی در چند ماه اخیر می‌توان نقش جنگ روسیه-اوکراین را پررنگ‌تر از هر عاملی در صدر عوامل اثرگذار بر قیمت‌ها دانست. این در حالیست که با مروری بر تحلیلهای ارائه شده قبل از شروع جنگ در خاک اوکراین همگان اذعان داشتند حامل‌های انرژی با افزایش قیمت همراه خواهند بود و از پیش‌بینی خود مبنی بر تورم انرژی خبر داده بودند. بنابراین بنظر می‌رسد تحلیلگران بازار انرژی در موضوع افزایش قیمت‌ها متفق‌القول بودند. اما هیچ‌گاه تصور نمی‌کردند چنین تورمی بدین زودی فرا رسد تا آنکه همزمان با شروع جنگ در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ و افزایش تنشها بین روسیه و اتحادیه اروپا و تحریمهای متقابل آنها در حوزه نفت و گاز شاهد انفجار قیمت‌ها بودیم. همانقدر که سرعت تحولات در فضای پویای امروز جهان از جمله حوزه انرژی بالا بوده و عوامل موثر بر تحولات بازارها را باید در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت دنبال کرد، به همان میزان تحلیل کلان‌روندها^۱ در بازه‌های بلندمدت نیز اهمیت دارد. کلان‌روندها عموماً با بررسی عرضه و تقاضا در بازارهای اقتصادی شکل می‌گیرند. با بررسی تحولات بلندمدت بازار انرژی بنظر می‌رسد با نوعی از شکاف عرضه و تقاضا در این بازار مواجه هستیم که اغلب ریشه‌های غیراقتصادی دارند و رشد قیمت‌ها را تضمین کرده‌اند. چنین فضایی نقش سه عامل را بعنوان عوامل اصلی شکل‌گیری شکاف عمیق عرضه و تقاضا در بازار انرژی و بخصوص در سوخته‌های فسیلی پررنگ می‌کند که به ترتیب عبارتند از:

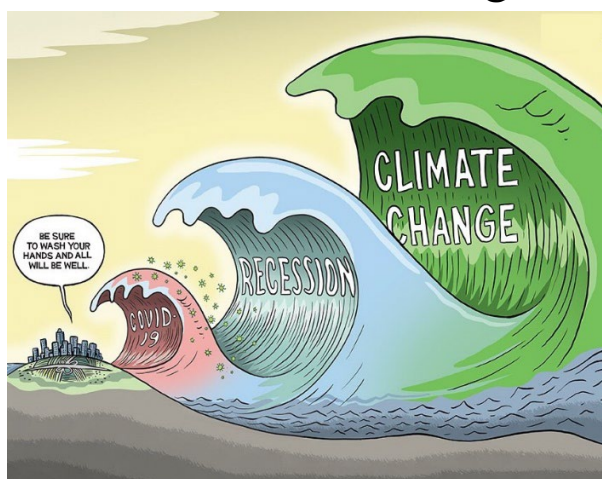
۱. **برگزاری کاپ-۲۱ در پاریس:** شروع تغییر ریل جدی جامعه جهانی در استفاده از سوخته‌های فسیلی را باید به نتایج برگزاری کنفرانس مقابله با تغییرات اقلیمی در سال ۲۰۱۵ نسبت داد. نشستی که در فرانسه با حضور قریب به ۲۰۰ کشور جهان برگزار و در نهایت منجر به توافق پاریس با هدف توسعه انرژی‌های سبز شد. کشورهای حاضر در این نشست با اشاره به افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای، بالا آمدن سطح آب دریاها، و گرم شدن زمین، مقابله با انتشار گازهای گلخانه‌ای همچون کربن‌دی‌اکسید را در دستور کار قرار دادند. فارغ از تعهدات کشورهای مختلف در این نشست برای به صفر رساندن انتشارات گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۳۰، دولت‌ها، شرکتهای بین‌المللی، و سازمانهای جهانی متعهد به کاهش سرمایه‌گذاری در بخش سوخته‌های

¹ Macrotrends

² COP: Conference of the Parties

فسیلی شدند. بانک جهانی^۳ و صندوق بین‌المللی پول^۴ نیز در آن زمان متعهد به ندادن یا کاهش وام برای سرمایه‌گذاری در سوختهای فسیلی و حمایت از توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر شدند. توافق پاریس و پیامدهای آن نقطه عطفی در کاهش سرمایه‌گذاری در تولید سوختهای فسیلی و در راس آنها نفت خام در هفت سال گذشته بوده است. از طرفی کشورهای اروپایی بیش از سایرین سردمدار مباحث محیط زیستی هستند. در مقابل باید به اوضاع نابسامان این روزهای ناحیه یورو و نیاز جدی به منابع انرژی در کوتاه‌مدت اشاره کرد. بنظر می‌رسد با نزدیک شدن به برگزاری کاپ-۲۷ در شرم‌الشیخ مصر در بازه ۸ تا ۱۸ نوامبر باید منتظر ابعاد جدید و شاید برخی تغییرات در سیاستهای جامعه جهانی در خصوص سوختهای فسیلی باشیم.

۲. آغاز جنگ روسیه-اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲: شروع همه‌گیری کووید-۱۹ در سال ۲۰۱۹ را باید به عنوان مهمترین اتفاق سده اخیر برشمرد. موضوعی که پیامدهای اثرگذاری آن در همه حوزه‌ها مشهود بوده اما شاید ابعاد اقتصادی آن بیش از سایر زمینه‌ها برای جامعه جهانی اهمیت داشته باشد. اگرچه نمی‌توان هیچ‌گاه بطور رسمی پایانی را برای این بیماری در نظر گرفت اما بررسی آمار مبتلایان و میزان مرگ‌ومیر حاکی از آن است که جهان با کووید-۱۹ که دغدغه اصلی بشر در سالهای ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ بود، توانسته به رابطه مسالمت‌آمیز بین کشورها برسد. به گزارش پایگاه خبری تاس^۵ کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰ بیش از ۵۰ درصد و امروز کمتر از ۱۰ درصد از نگرانی جامعه جهانی را بخود تخصیص داده و در مقابل بزرگترین دغدغه امروز تورم و رکود است. طرح (۱) دغدغه‌های امروزین بشر را نشان می‌دهد.



طرح (۱). مهمترین مسائل پیش روی جهان (www.theconversation.com)

³ WB: World Bank

⁴ IMF: International Monetary Fund

⁵ TASS

شروع همه‌گیری کووید-۱۹ در چین بعنوان دومین اقتصاد بزرگ دنیا اهمیت ویژه‌ای داشت. چرا که ساختار اقتصادی این کشور برخلاف ایالات متحده که بر بخش خدمات متمرکز است، عمدتاً وابسته به فعالیتهای صنعتی بوده و با مشاهده اولین نشانه‌های بیماری، کاهش تقاضا برای کالاها و مواد اولیه از جمله در بازار انرژی شدت یافت. این مسئله سرعت به سایر اقتصادهای بزرگ صنعتی نیز منتقل شد. موضوعی که منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و تولید در بخشهای متعدد و بخصوص نفت و گاز شد. چرا که با توجه به شرایط حاکم بر اقتصادهای صنعتی تقاضای وسیعی برای عرضه نفت و گاز وجود نداشت. در این میان کشورهای اروپایی فرصت را برای اعمال و پیگیری سیاستهای توافق پاریس نیز مناسب دیدند. تقاضا در بخش انرژی به حدی کاهش یافت که قیمت نفت برنت در ماه مه ۲۰۲۰ به ۱۵ دلار و نفت وست‌تگزاس اینترمدییت به منفی ۳۷ دلار در هر بشکه رسید که در تاریخ صنعت نفت بی‌سابقه بوده است. چرا که برای خرید هر بشکه نفت وست‌تگزاس اینترمدییت نه تنها نیازی به پرداخت ارزش آن نبود حتی در قبال خرید، مبلغ ۳۷ دلار نیز توسط فروشنده به خریدار تحویل داده می‌شد. در همین برهه زمانی بود که گروه اوپک‌پلاس نیز به کاهش ۷.۷ میلیون بشکه‌ای تولید روزانه نفت خام در ۲۰۲۰ نفت خام روی آورد. نکته قابل تامل در مورد کووید-۱۹ اشتباه محاسباتی و شاید عدم اطلاع اقتصادهای بزرگ دنیا نسبت به زمان پایان نسبی این همه‌گیری در دنیا بود. موضوعی که بارها توسط سازمان بهداشت جهانی^۶ نیز مورد تاکید قرار گرفته، و بارها سران این نهاد بین‌المللی از طولانی بودن دوره اتمام این بیماری در جهان خبر دادند. همین امر منجر به کاهش دوچندان تامین منابع انرژی و توجه به امنیت عرضه انرژی در بسیاری از کشورها بخصوص کشورهای ناحیه یورو شد. موضوعی که با بهبود شرایط کووید-۱۹ در اواخر سال ۲۰۲۱ و اوایل سال ۲۰۲۲ منجر به ایجاد شکاف عمیق در نظام عرضه و تقاضا شد بخصوص که گروه اوپک‌پلاس نیز به بازگرداندن کاهش ۷.۷ میلیون بشکه‌ای تولید روزانه خود در سال ۲۰۲۰ رضایت نداد و بعدتر تنها با افزایشهای ۴۳۲ و ۶۴۸ هزار بشکه‌ای نفت خام موافقت کرد.

۳. آغاز جنگ روسیه-اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲: برگزاری کاپ-۲۱ در سال ۲۰۱۵ و شروع همه‌گیری کووید-۱۹ در سال ۲۰۱۹ و بهبود شرایط آن با شروع سال ۲۰۲۲ همانطور که در دو بخش قبلی ذکر شد منجر به ایجاد شکافی عمیق در عرضه و تقاضا در بازار انرژی بخصوص ناشی از عدم عرضه سوختهای فسیلی شد. این عوامل برای رشد قیمت‌ها در بازار کافی بودند. اما باید اذعان کرد جنگ روسیه-اوکراین بعنوان یک عامل سیاسی با پیامدهای گسترده از جمله اقتصادی نه تنها این شکاف را در یک بازه

⁶ WHO: World Health Organization

بلندمدت عمیقتر کرده بلکه در یک بازه کوتاه مدت چندماهه منجر به رشد قیمتها به شکل کم سابقه شده است. اثرگذاری جنگ روسیه-اوکراین را باید به سه بخش تقسیم بندی کرد:

الف- تاثیرات کوتاه مدت و بلندمدت یک تنش سیاسی در بازارها ناشی از تغییر سیاستها و ژئوپلیتیک کشورهای درگیر در جنگ. جنگ روسیه-اوکراین یکبار دیگر به کشورهای اروپایی نشان داد که نباید امنیت انرژی^۷ خود را در گرو عدم قطعیت‌های فراوان این بازار مشابه تنشهای ایجادشده در سالهای ۱۹۷۳ قرار دهند. موضوعی که در همان سالها منجر به تشکیل آژانس بین‌المللی انرژی نیز شد و از همان ابتدا به کشورهای عضو در خصوص تامین انرژی از مبادی مختلف هشدار داده شده بود.

ب- حضور یکی از تامین‌کنندگان بزرگ منابع فسیلی انرژی یعنی روسیه در جنگ اخیر و استفاده از انرژی بعنوان اهرم فشار علیه غرب و تصویب تحریمهای متقابل اتحادیه اروپا در حوزه نفت و گاز. بسیاری جنگ روسیه-اوکراین را جنگ انرژی خوانده‌اند

ج- همزمان شدن شروع جنگ با افزایش تقاضا در بازارهای جهانی ناشی از اتمام نسبی همه‌گیری کووید-۱۹ از یکسو و کاهش ۷ ساله سرمایه‌گذاری در بخش سوختهای فسیلی بعد از توافق پاریس. موضوعی که تاثیر عوامل غیراقتصادی موثر بر بازار را افزایش داد.

بنابراین همانطور که مشاهده شده سه عامل مهم در طول هفت سال گذشته دست به دست هم داده و منجر به ایجاد شکافی عمیق در عرضه و تقاضا در بازار انرژی و مشخصا کمبود عرضه در بخش سوختهای فسیلی شده‌اند. بدیهی است برای مقابله با چنین شرایطی که از کلان‌روندها در بازار نشئت گرفته احتیاج به اقدامات بنیادین با اثرگذاری بلندمدت ضروری بنظر می‌رسد. پرکردن این شکاف عمیق نیازمند اتخاذ اقداماتی است که امروزه توسط جامعه جهانی و بخصوص کشورهای ناحیه یورو به دو بخش سیاستهای داخلی و خارجی تقسیم شده و در راس آنها می‌توان به هفت مورد اشاره کرد:

۱. تغییر هوشمندانه در تعریف انرژیهای پاک (که در گذشته به انرژی با کربن صفر گفته می‌شد) برای استفاده از منابع گازی

۲. تصویب ۸ بسته تحریمی علیه روسیه با محوریت انرژی

۳. ایجاد سقف قیمتی نفت

۴. کاهش ۱۵ درصدی مصرف گاز

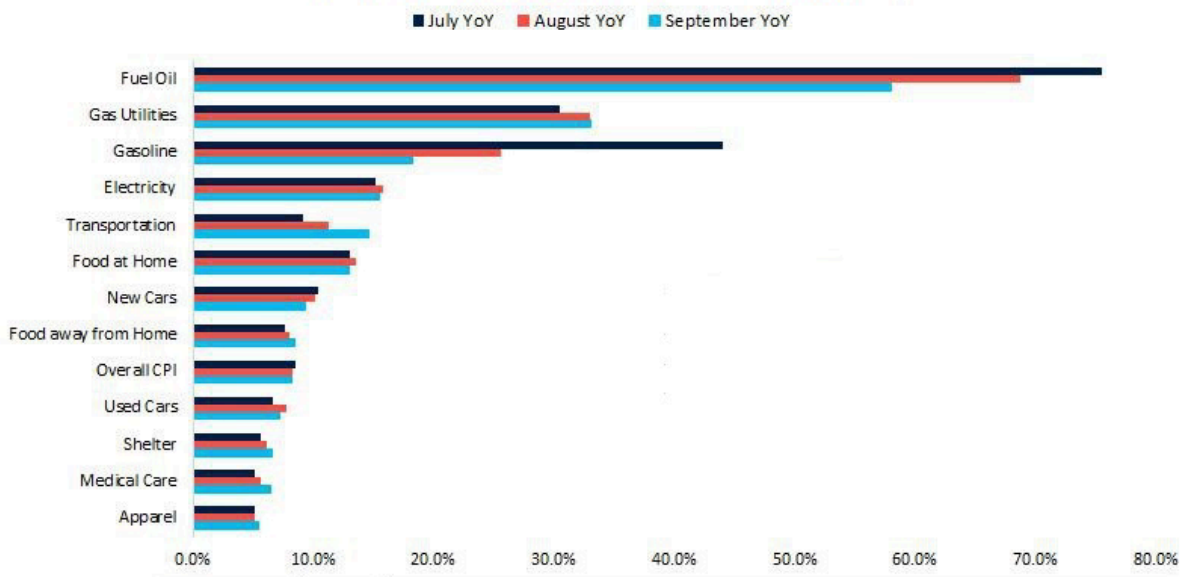
۵. فعال شدن دیپلماسی انرژی برای تعیین مبادی جدید واردات انرژی

۶. بازگرداندن نیروگاههای هسته‌ای به مدار

⁷ Energy Security

۷. توسعه هرچه سریعتر انرژیهای سبز با توجه به قیمتهای بالای نفت و گاز
 شش عامل دیگر را بعنوان عوامل اثرگذار بر روند قیمتها در بازار انرژی می دانیم:
 الف- بهبود شرایط تورمی در ایالات متحده پس از گزارش فدرال رزرو (نمودار ۱)
 ب- تاکید سران فدرال رزرو مبنی بر ادامه دار بودن افزایش نرخ بهره برای کنترل کامل تورم
 ج- تبعات تصمیم اخیر اوپک پلاس در کاهش دو میلیون بشکه‌ای تولید نفت خام
 د- افزایش بی سابقه شاخص دلار
 ه- پیشنهاد سقف قیمت گاز و برق در اتحادیه اروپا
 و- دستور بایدن برای آزادسازی ۱۵ میلیون از ذخایر استراتژیک نفتی^۸

میزان تورم سالانه در ماههای جولای، اوت، و سپتامبر



نمودار ۲. تورم سالانه در ماههای ژوئیه، اوت، و سپتامبر ۲۰۲۲ در آمریکا (compound.finance)

همکاران این شماره: علیرضا اسقانیان، محمدعلی اسلامی، و عباس ملکی

⁸ SPR: Strategic Petroleum Reserves